

شیوه جایز اعلام خبر مرگ

اعلام وفات مرگ اگر مانند شیوه های جاهلیت نباشد، جایز است. در این خصوص احادیثی نیز وجود دارد

۱. عن ابی هریره: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَعَى النَّجَاشِيَّ فِي الْيَوْمِ الَّذِي مَاتَ فِيهِ خَرَجَ إِلَى الْمُصَلَّى فَصَفَّ بِهِمْ وَكَبَّرَ أَرْبَعًا». بخاري و مسلم.

ترجمه: از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که: رسول الله صلی الله علیه و سلم خبر مرگ نجاشی (پادشاه حبشه) را که در سرزمین حبشه فوت کرده بود، اعلام نمود و به مصلی رفت و مسلمانان صف بستند و آنحضرت چهار تکبیر گفت.

۲. عن انس رضی الله عنه قال: «قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَخَذَ الرَّأْيَةَ زَيْدٌ فَأُصِيبَ ثُمَّ أَخَذَهَا جَعْفَرٌ فَأُصِيبَ ثُمَّ أَخَذَهَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ رَوَاحَةَ فَأُصِيبَ وَإِنَّ عَيْنِي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَتَذْرِفَانِ ثُمَّ أَخَذَهَا خَالِدُ بْنُ الْوَلِيدِ مِنْ غَيْرِ إِمْرَةٍ فَفُتِحَ لَهُ». بخاري.

ترجمه: از انس رضی الله عنه روایت است که: رسول الله صلی الله علیه و سلم (هنگام سخن گفتن از جنگ موته) در حالیکه از چشمانش اشک می ریخت، فرمود: نخست پرچم را زید به دست گرفت و شهید شد. بعد جعفر آن را به دست گرفت و شهید شد. سپس، عبدالله بن رواحه آن را به دست گرفت و او نیز به شهادت رسید. در پایان، خالد بن ولید بدون اینکه بعنوان امیر لشکر تعیین گردد، پرچم را بدست گرفت و پیروز شد.

ابن حجر می گوید: از این حدیث معلوم می شود که اطلاع دادن از مرگ کسی، جزو «نعی» ممنوع بحساب نمی آید. زیرا آن نوعی رسم جاهلی بود که در بازارها و خیابانها خبر مرگ بعضی از انسانها را اعلام می کردند. بنده می گویم: آنچه امروز از بلندگوی مساجد اعلام می شود نیز همان «نعی» ممنوع است.

۳. برای کسی که خبر مرگ فردی را اعلام می کند، مستحب است، برای او از مردم طلب استغفار کند. در حدیث ابوقتاده رضی الله عنه آمده است که رسول الله صلی الله علیه و سلم لشکر موته را که دارای چند فرمانده بود، هنگام بدرقه چنین توصیه فرمود: فرمانده شما زید بن حارثه است. اگر او شهید شد، جعفر بن ابی طالب فرمانده شماست و اگر او نیز شهید گردید، عبدالله بن رواحه انصاری فرمانده شماست. جعفر از جای خود برخاست و گفت: ای پیامبر خدا! پدر و مادرم فدای تو شوند. من از اینکه زید بن حارثه را فرمانده ما قرار داده ای نگرانم. رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: فرماندهی او را بپذیرید. زیرا نمی دانید که خیر در چه چیز است. سپس آنها براه افتادند و پس از مدتی رسول الله صلی الله علیه و سلم بر منبر رفت و فرمود: بات خیر، ناب خیر او تاب خیر، (یعنی خیر پیش آمده است) به هر حال راوی شک دارد که رسول الله صلی الله علیه و سلم چه کلمه ای را بکار برده است. بعد فرمود: آیا درباره لشکر موته شما را با خبر نسازم؟ آنان رفتند و با دشمن جنگیدند، زید بن حارثه شهید شد. برایش استغفار کنید. مردم برای زید استغفار کردند. سپس فرمود: بعد پرچم را جعفر بدست گرفت و بر دشمن یورش برد و به شهادت رسید من شهادت او را تایید می کنم. برای او نیز استغفار کنید. بعد پرچم را عبدالله بن رواحه بدست گرفت و مقاومت کرد تا به شهادت رسید. برای او نیز استغفار کنید، بعد پرچم را خالد بن ولید به دست گرفت. او از فرماندهان لشکر نبود. بلکه خودش خود را به عنوان فرمانده تعیین کرد. بعد رسول الله صلی الله علیه و سلم دو انگشت مبارکش را بلند کرد و فرمود: پروردگار! او (خالد) شمشیری از شمشیرهای تو است. راوی می گوید: از آن روز به بعد خالد بن ولید،

لقب سیف الله بخود گرفت. سپس رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: ای مردم! بسیج شوید و برادران تان را یاری کنید. هیچ کس تخلف نکند، چنانکه با وجود گرمای شدید، بعضی از مردم پیاده و برخی سواره براه افتادند.^۱ همچنین از ابوهریره و دیگران روایت است، که وقتی رسول الله صلی الله علیه و سلم خبر مرگ نجاشی را اعلام کرد، فرمود: «استغفروا لأخیکم» برای برادران طلب آمرزش کنید.

[telegram.me/ahkamjanayezqeshm](https://t.me/ahkamjanayezqeshm)